

۱ - عملیات مختصر جنگی ، ۲ - طرح ریزیهای مهم که عملی نگردید .  
هنگام عملیات متفقین در داردانل ناوگان روس مکرر استحکامات ساحلی  
«بوسفور» را بمبارده نمود و ناوهای عثمانی را که میخواستند بدریای سیاه داخل  
شوند غرق میکرد .

و نیز روسها طرحهای زیادی را برای اعزام قوا بوسیله کشتی تنظیم مینمودند  
که در صورت الحاق بلغارستان بمتفقین ۱ - ۲ سپاه پیاده نمایند . برای این مقصود  
در «ادسا» (Odessa) سپاه ۵ قفقاز را نگاهداشته بودند ولی بزودی مجبور شدند  
آنها بجهت غرب اعزام دارند . بطور کلی طرحهای فوق عملی نگردید .

### جنگ در بین النهرین

در راه هند ، انگلیسها بودند که نخست ابتکار عملیات را در دست گرفتند  
در پایان سال ۱۹۱۴ بصره دست اندازی کرده بودند ؛ در فوریه ۱۹۱۵ ، ارتشی  
که قسمت اعظم آن از سربازان هندی تشکیل میشد ، فرماندهی ژنرال سر جان  
نیکسون ( S. John Nixon ) در این منطقه تمرکز یافته و در محل تلاقی دجله و  
فرات کوڑا ( Koura ) را تسخیر نموده بود ، و در ماه مه ضربتی به ثمانیها وارد  
آورده بود ، سپس انگلیسها فرماندهی ژنرال تاونشند ( Townshend ) دیگر بار  
در امتداد دجله در سمت بغداد پیشروی نموده و در ۳ ژوئن عماره ( Amara ) را  
بصرف خویش در آوردند . ولی بمناسبت گرمای تابستان ، عملیات موقوف گردید .  
تا در پایان سپتامبر ، ژنرال تاونشند دیگر بار پیشروی پرداخته و در  
«کوت العماره» نیز موفقیت دیگری تحصیل نمود ، ولی عثمانیها در تیسفون  
( Ctésiphon ) از پیشروی او جلوگیری کردند ؛ بالنتیجه ، ژنرال مزبور به  
«کوت العماره» بازگشت نمود ، و ترکها او را در همین نقطه محاصره کردند ، تا در  
۲۶ آوریل ۱۹۱۶ بعلت نرسیدن قوای کمکی اجباراً تسلیم گردید .

## عملیات دریائی

در اثر دخول ایتالیا در جنگ تعداد ۱۴ زره دار و ۱۵ رزم ناو بنیروی دریائی متفقین علاوه شد. ناوگان ایتالیا مأمور مراقبت دریای آدریاتیک گردید که رسانیدن اسلحه و مهمات را برای صربستان و مونتنگرو تأمین نماید. عملیات مهمی در دریا واقع نشد و تمام توجه با اعلان جنگ زیر دریائی آلمان معطوف بود. جنگ مزبور نخست در دریای شمال و در سواحل انگلیس و فرانسه توسعه یافت.

در مدت تابستان، جنگ زیر دریائی تلفات سنگینی بکشتی های متفقین وارد ساخت (۳۵۱ کشتی آنها غرق شد)، حتی کشتیهای دول بیطرف نیز مصون نماندند. متفقین از این حیث شدیداً در زحمت بودند لذا برای جلوگیری از عملیات زیر دریائی آلمان اقداماتی بشرح ذیل بعمل آوردند:

تشکیل ناو بخش های کشتی و اکتشاف از کشتی های ماهیگیری با توپهای سبک، تهیه طیارات دریائی، استقرار نورهای مخصوص زیر دریائی (بین دور، (Douvres) و ساحل فرانسه ۲۶۰ کیلومتر نور گذارده شد)، زمین گذاری در نزدیکی تکیه گاههای دریائی و غیره.

در اثر اقدامات فوق و بملاحظه تخفیفی که آلمانها برای رعایت حال کشتیهای دول بیطرف در جنگ زیر دریائی قائل شدند تلفات از آن در مدت ۴ ماه آخر سال ۱۹۱۵ تقلیل یافت بطوریکه فقط ۴ کشتی متفقین غرق گردید. ناوگان آلمان در سال ۱۹۱۵ کلیه دارای ۸۰ زیر دریائی بود که ۲۴ فروند آنها متفقین غرق کردند. ضمناً آلمانها مشغول ساختن ۱۵۰ زیر دریائی جدید شدند.

### نتیجه مرحله تابستان

مرحله تابستان ۱۹۱۵ جریان جنگ را از خیالی جهات تغییر داد. در مرحله مزبور متحدین مقدار زیادی خاک روسیه را بتصرف در آوردند و برای مدت یکسال خود را در مقابل تکرار تعرض روسها تأمین نمودند و در جبهه روسیه حدود مستحکمی را بدست آورده و در آن جبهه جنگ موضعی را که در آن کیفیات جبهه متحدین مفید بود برقرار ساختند.

لهستان و گالیسی تماماً در اختیار دول مرکزی واقع شدند، و این موضوع اهمیت زیاد سیاسی و واحدی اهمیت اقتصادی را حائز بود.

دولت بلغارستان، در اثر این فتح آلمانها بطور قطع خود را بمنحدين ملحق ساخت، دولت سوئد نیز بمنحدين متمایل گشت. رومانی که هنوز مردود بود تصمیم بحفظ بیطرفی گرفت.

تضعیف نیروی روس در سمت عثمانی باعث کندی پیشرفت عملیات در آسیا و اکمال دائره محاصره بدور آلمان گردیده بود.

یک سلسله موفقیت های مهمی که آلمان در قبال روسیه حاصل نمود از طرفی موجب تقویت قوای روحی ملت و ارتش آلمان گردید و از طرف دیگر باعث تزلزل قوای روحی ملت و ارتش روس شد.

ولی استفاده متحدین بهمین اندازه محدود گردید.

آلمانها با انتقال جنگ بجهت شرق احتمال نیل بفتح را در غرب از دست دادند، و نیز به انگلیس و فرانسه فرصت دادند که قدرت جنگی خود را بحدیکه کامیابی آئینه آنها را تأمین سازد برسانند.

دخول ایتالیا در جنگ یکقسمت قوای اطریش را از جبهه روس جلب میکرد، وعدم موفقیت عثمانی در ارمنستان نقشه آلمانها را برای ورود ایران و بلکه افغانستان در جنگ در صف متحدین خنثی مینمود.

توسعه جنگ زیر دریائی بدول متفقین خسارات مهمی وارد ساخت، و مرادده آنها را با دول بیطرف و نقاط دور دست صحنه های جنگ تهدید نمود. البته متفقین برای جلوگیری از آن اقدامات لازم بعمل آوردند و دول بی طرف نیز از آن رویه آلمان متنفر گشتند و بالتبعه روابط معنوی بین آلمان و امریکا قطع شد.

بطور کلی میتوان گفت که مرحله تابستان این سال مرحله مهم جنگ بین المللی بشمار میرود چه آلمان میتواند شکست قطعی بدول غربی وارد سازد اما آخرین موقع مناسب را برای نیل بفتح از دست داد.

## بخش دوازدهم جریان جنگ در سال ۱۹۱۵

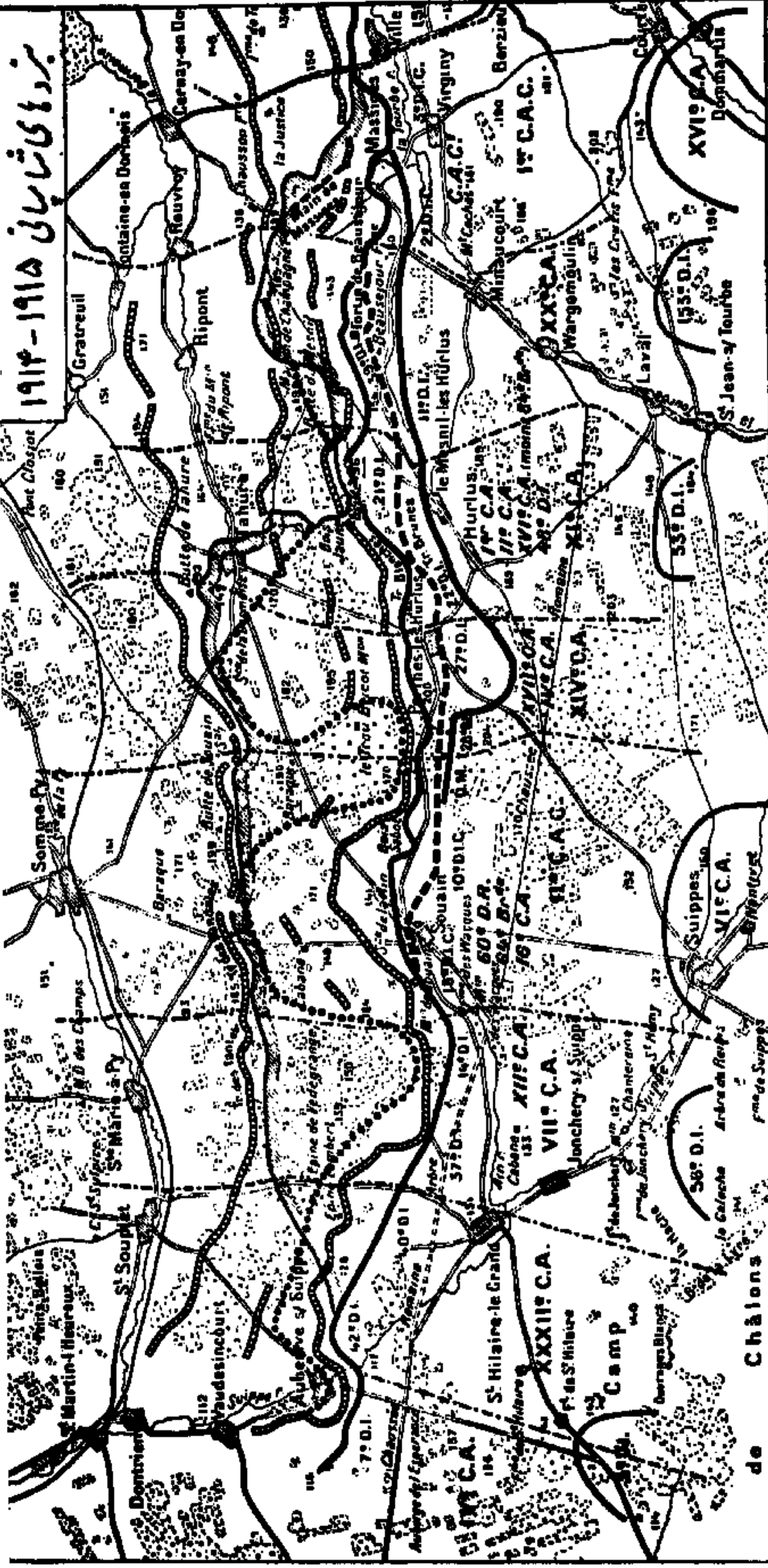
### ( مرحله پائیز )

صحنه غرب ، نبرد شامپانی و نبرد آرتوا - صحنه  
بالکان - دخول بلغارستان در جنگ : نقشه آلمانها و  
عملیات در صربستان - صحنه ایتالیا - جبهه روس .  
صحنه آسیائی - نتیجه جنگ در سال ۱۹۱۵

### صحنه غرب - نبرد شامپانی (نقشه شماره ۲۳)

روز ۲۵ سپتامبر ، در ساعت ۹-۱۵ ، حمله پیاده نظام شروع شد .  
در دو انتهای میدان نبرد ، در سمت اوبریو ( Auberive ) و سروان  
( Servon ) ، قوای متفقین ، که با ارتشهای متمرکز و حملات متقابل جناحی واقع  
شده بودند ، بلافاصله متوقف گردیدند ، ولی محاربات خونینی که در این نقطه  
درگیر شده بود قوای معتدله آلمان را مشغول ساخت ، آنها در موقعیکه حمله مرکزی  
شروع میشد .

در ارتش ۴ ، متفقین بین اوبریو ( Auberive ) و جاده سن هیلر - سن سوپله  
( St Hilaire- St-Souplet ) پیشروی کردند ، در شرق این جاده تمام خط اول  
آلمان بتصرف درآمد ، سپاه ۷<sup>ام</sup> لاین دوود گرانژ ، ( l' Epine de Vedegrange ) را



بزرگ‌نمایی شاپانی ۱۹۱۵-۱۹۱۴

**1<sup>re</sup> Bataille Nivoy 1914-1915 XVII<sup>e</sup> C.A.** | Front le 1<sup>er</sup> Décembre 1914 | Front le 15 Février 1915  
**2<sup>e</sup> Bataille Automne 1915 XI<sup>e</sup> C.A.C.** | Front le 25 Septembre 1915 matin | Front le 1<sup>er</sup> Novembre 1915 soir  
**Allemand.**

(مقاييس منقشه ۱:۲۲)

تسخیر کرد ، سپاه ۲ سوار نظام مزرعه ناوارن ( Navarin ) را تصرف نمود ، ولی باوجود کمک سپاه ۶ موفق نشد از تل سوئن ( Souain ) ( یعنی موضع ۲ ) تجاوز کند ، لشکر مراکشی به تروبریکو ( Trou-Bricot ) متوجه شد ولی دشمن در آنجا در تمام روز مقاومت کرد .

در ارتش ۲ ، سپاه ۱۴ تروبریکو ( Trou-Bricot ) را از سمت شرقی محاصره کرده و در سمت ناهور ( Tahure ) پیشروی نمود . سپاه ۱۱ دوامل ( deux Mamelles ) را در مغرب تل مسنیل ( Mesnil ) تصرف کرد ، ولی در روی این تل پیشروی متفقین با زحمت مواجه گشت . در قطعه بوسه ژور ( Beauséjour ) به « مزن دو شامپانی » رسیدند ، ولی مبارزه مبتدل گشته و در خطوط رابط عمقی « لامن دو ماسیژ » ( la Main de Massiges ) بمحاربه نارنجک تبدیل یافت .

خلاصه ، در روز نخستین ، متفقین قسمتی از موضع اول دشمن را در جبهه ۱۴ کیلو متری بدست آوردند ، ولی موضع دوم در هیچ نقطه ای آسیبی ندید . متفقین ۱۸ هزار اسیر و ۳۰۰۰ نوپ از آلمانها گرفتند .

روز ۲۸ ، سپاه ۷ یک جبهه ۱۵۰۰ متری موضع دوم را در شمال « لپن دوود گراژ » ( l'Epine de Vedegrange ) تصرف نمود ، و پشت سر آن واحدهای دیگری باین نقطه هجوم بردند . ولی آلمانها همگی را عقب رانده با اسیر ساختند .

آنگاه ژنرال دو کاستلنو اندک وقفه ای مقرر داشت تا فرصت تهیه عمل جدیدی را تحصیل کند ، ۱۰ لشکر جدید در اختیار او گذارده شد .

عمل جدید در ۶ اکتبر شروع شد . سپاه ۲ « ناهور » ( Tahure ) و تل آنرا در شمال شرقی آن قریه تصرف کرد .

آلمانها در تمام نقاط دیگر ، فاتحانه مقاومت کردند . پیشروی متفقین در همان آغاز کار موقوف شد .

فرد روز ۱۴ اکتبر متوقف گردید .

### نبرد آرتوا

روزه ۲۵ سپتامبر، ارتش یکم انگلیس در ساعت ۶ صبح، از سنگر های خود خارج شده، «لوس» (Loos) را تصرف کرده، و نقطه ۷۰ و حدود خارجی «هولوخ» (Hulluch) را اشغال نمود. ارتش ۱۰ فرانسه در ساعت ۱۲-۲۵ برای هجوم عزیمت نمود. در جناح چپ سپاه ۲۱ بجاده «سوشز - آنگر» (Souchez-Angres) رسید، و سپاه ۳۳ قبرستان «سوشز» (Souchez) را بدست آورد، در مرکز سپاه ۳ با زحمت مشغول پیشروی است، تمام قوای جناح راست (یعنی ۳ سپاه) متعاقب موفقیت های جزئی بموضعه های عزیمت اولیه خود رانده شدند. پیشرفتهای انگلیسها و جناح چپ ارتش ۱۰، ژرال فوش را وادار کردند در روز ۲۶ حمله را در منطقه «سوشز - لافلی» (Souchez - la Folie) تعقیب کند: عاقبت فتح «سوشز» نصیب متفقین شد و آنها پیشه ژبوانشی (Givenchy) و راس ویمی (Crête de Vimy) را اشغال کردند. روز ۲۷، انگلیسها اندکی در مشرق «لوس» (Loos) پیش رفتند.

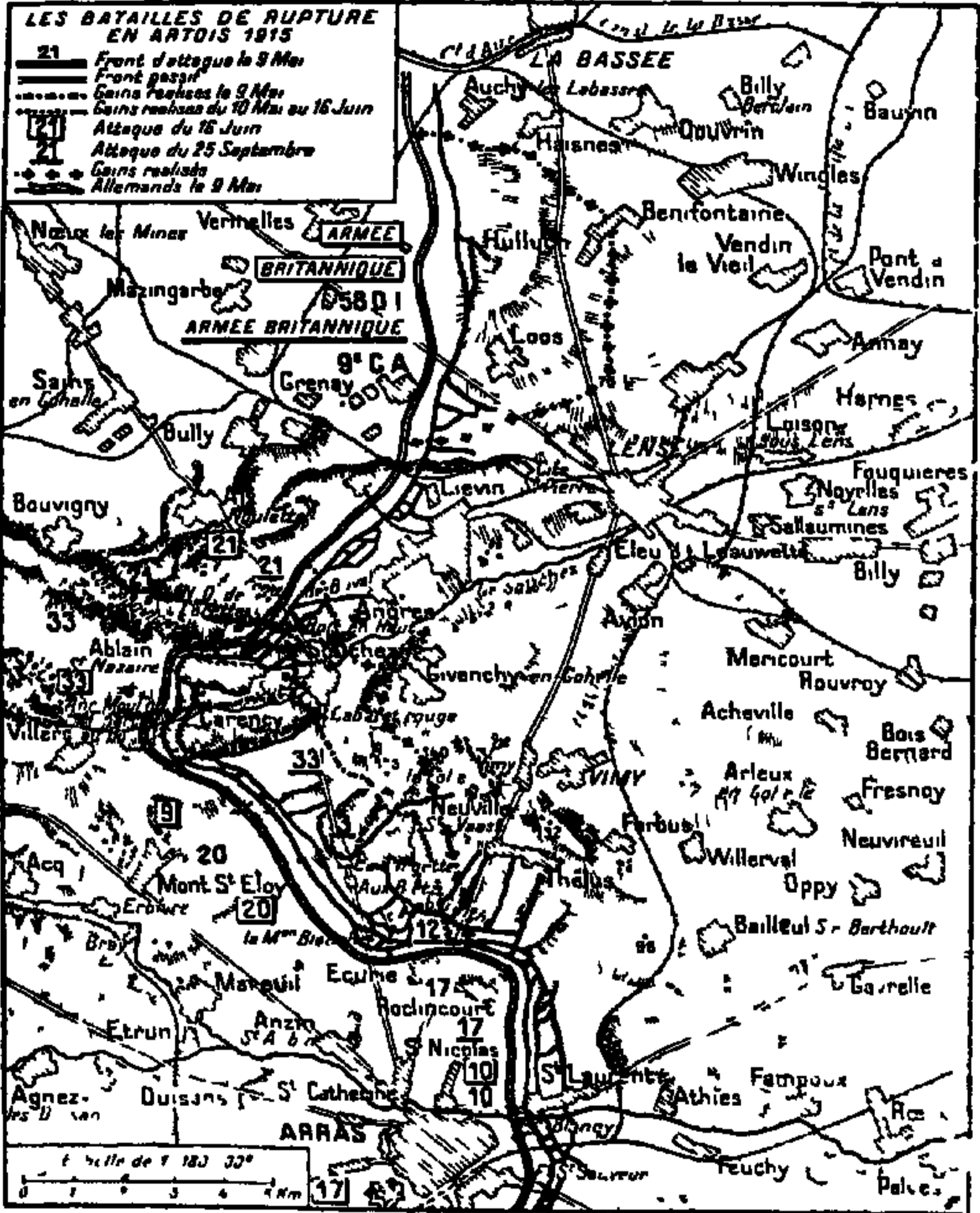
تقلیل و کمبایی مهمات (که تهیه مقدمات عملیات جدی دیگری را میسر نمیگرد) و تلفات وارده با انگلیسها و هوای نامساعد از عواملی بودند که وقفه نبرد را ایجاب نمود. از همان آغاز عملیات، در قبال موفقیت های ارتشهای شامپانی، فرمانده کل فرانسه، لشکرهائی از گروه ارتشهای شمال برداشت نموده و بگروه ارتشهای مرکزی ملحق نموده بود.

عملیات، در همان تاریخی که در «شامپانی»، دچار وقفه گشت، در «آرتوا» نیز متوقف گردید. ارتشها، مشغول شدند خود را برای زمستان مهیا سازند.

### نتایج نبرد ماه سپتامبر

نبرد سپتامبر برای متفقین عبارت از يك موفقیت نا کتبیکی مسلمی بود: آلمانها بیش از صد هزار تلفات داشتند، از آن جمله ۲۵ هزار اسیر. لحظه ای

بردارتوا ۱۹۱۵





آلمانها جبهه خود را شکافته پنداشته و فرماندهی تخلیه تمام منطقه « ووزیر » ( Vouziers ) را در نظر گرفته بود .

مختصر قوای امدادی که در موضع دوم مانده بود و توپخانه متفقین بتخریب آنها موفق نشده بود بنهایی موجب اعاده موفقیت گردیدند .

نبرد مزبور ، معنأ ، بفتح متفقین منتهی شده بود چنانکه ژنرال ژفر هم خطاب بارتشها میگفت : « مفتخرم از اینکه فرماندهی بهترین ارتشهایی که فرانسه نظیر آنها کمتر دیده است عهده دار هستم » .

از لحاظ استراتژی ، نبرد مزبور بدم موفقیت آنها منجر گردیده بود ، زیرا که منظور اصلی آنها که عبارت از شکافتن جبهه بود ، حاصل شده بود .

ولی با این وصف قوای متفقین نشان داده بودند که این یکساله جنگ سنگری در آنها تأثیر نکرده از حدت و حرارت آنها بهیچوجه نکاسته بود .

توپخانه متفقین ، کار بزرگی انجام داده بود : بدین معنی که در طی این نبرد يك ميليون فشنگ توپخانه سنگین و چهارمیلیون فشنگ ۷۵ تیر اندازی نموده بود ، هواپیمائی با انجام خدمات تنظیم تیر ، دیدبانی ، بمب اندازی و سیادی شروع کرده بود که بعدها با کمال موفقیت باین خدمات ادامه بدهد .

برای فتح عظیمی ، عوامل مساعدی فراهم شده بود : یعنی ادامه هوای مساعد ، آمادگی کاملتر و سریعتری ، پیاده نظام قابل انعطاف و فعالیتتری با داشتن وسائلی که غلبه بر مقاومت های محلی را آسان تر مینمود . توپخانه متحرک تری که قادر بود پیشروی پیاده نظام را تعقیب کند ، و موفقیت کاملتری که استعمال قوای احتیاط را در او راه منصفه مستحکم میساخت .

روز ۳ اکتبر ، ژنرال ژفر در طی گزارش متضمن نتایج نبرد ، که بوزارت جنگ میداد « دلائل اطمینان خود را بفتح نهائی تشریح مینمود » . در پایان گزارش خود چنین نتیجه میگرفت که « بایستی نتیجه قطعی را در خاک فرانسه بدست آورد » .

جمله اخیر جواب نگرانی هائی بود که در طی حکم جدیدی بدان اشاره شده بود. در شرق وقایع عمده‌ای روی داده بود. بلغارستان پرده از کار برداشته به متفقین اعلان جنگ داده بود، صربستان که مورد تهدید واقع شده بود استمدادی مینمود. روز ۱۳ اکتبر عده‌های نخستین متفقین در «سالونیک» ( Salonique ) پیاده شده بودند.

### جبهه بالکان - دخول بلغارستان در جنگ

پس از گفتگوهای ممتدی، فردیناند ( Ferdinand ) پادشاه بلغار احتمالات موفقیت های طرفین متخاصم را سنجیده و عاقبت در قبال وعده های آلمان ( دایر بر اینکه در منطقه آندرینوپل ( Andrinople ) سرحدات کشور بفتح بلغار و بضرر عثمانیها اصلاح خواهد گردید ) تسلیم گشته و در ۵ اکتبر ۱۹۱۵ به متفقین اعلان جنگ داد.

راست است که دوست جدید دول مرکزی، مانند سایر دول بالکان، در تحت تاثیر جنگهای گذشته فرسوده شده و مصمم بود فعالیت خود را فقط در راه مصالح داخلی و مقاصد خصوصی خود اعمال کند؛ ولی با اینوصف دخول آن در صحنه عملیات برای اطریش و آلمان مانند کمک و اثری بشمار میرفت.

از این بپس، از هامبورگ (Hambourg) تا خلیج فارس، متحدین صف واحدی تشکیل میدادند، و این صف متفقین را از هم جدا کرده ارتباط بین آنها را قطع میکرد؛ روسیه فرسوده و رومانی مردد را از دول غربی مجزا ساخته، و در یونان نیز هواخواهان کوستانتین (Constantin) را بر علیه طرفداران وینزلوس (Venizelos)، که با متفقین مساعد بودند تقویت و ترغیب مینمود که، بیش از پیش در مخالفتهای خود با فشاری نمایند؛ و بالاخره صربستان را نیز با خطر حمله متمرکزی مواجه میکرد.

فراسه امیدوار بود خون فرانسوی که در عروق فردیناند جریان داشت عاقبت او را بمتفقین ملحق سازد؛ انگلستان نیز بوعده ونوید او و روسیه بوحادث آداب و رسوم دیرین امیدواری داشتند. در ماه سپتامبر، صربستان همینکه بنقشه



فرد آرتوا - حله انكلیسها با ماسك ضدگار برای تصروف لوس (Loos) ومولوخ (Hulluch)

(مقابل صحنه ۳۲۸)

بلغارستان بی برد و فهمید که بلغار منتظر اشاره آلمان است تا نقاب سیاست را از چهره برافکنده و معنویات خود را آشکار سازد ، پیشنهاد کرد بدون فوت وقت به اعمال نیروی خود متوسل گردد . در آن موقع ارتش تازه نفس صربستان هنوز با نیروی اطریش و آلمان ، که در روسیه سرگرم عملیات بود ، مواجه نشده و هیچگونه آسیبی ندیده بود . انگلیس و فرانسه ، در اثر اعتمادی که بتدابیر سیاسی خود داشتند ، با پیشنهاد عاقلانه صربستان مخالفت کردند ، که شاید تا آخرین دقیقه امکان از حدود دیپلوماسی تجاوز نمایند . صربستان نیز که در قبال متفقین خود کمال انضباط را رعایت میکرد ، تسلیم گردید ، غافل از اینکه نتیجه اطاعت و انقیاد وی این خواهد بود که ارتش صربستان یکبارہ منهدم گشته و سر تا سر کشور او در مدت سه سال در معرض تاخت و تاز و استیلای کامل دشمن قرار خواهد گرفت .

جنگ بلغارستان در ساعتی که آلمان معین کرده بود بمتفقین ابلاغ شده بود : یعنی در موقعی که از طرفی عملیات روسیه به پایان رسیده و خانمه آنها پیش بینی میشد ، و از طرف دیگر فراسه و انگلیس هم نه فقط در جبهه غرب بلکه در « داردانل » نیز سرگرم عملیات بودند ، و بالاخره ایتالیا نیز در سرحدات وسیعی که بمنزله میدان نبرد وی بود استقرار یافته بود . بدیهی است که در چنین موقع باریک و چنین وضعیتی انتظار میرفت قبل از رسیدن کمک متفقین صربستان یکبارہ از پای درآمده و منهدم گردد .

مانوریکه قرار گاه کل آلمان طرح ریزی نموده بود ، مانور ساده ای بود ، این مانور تابع نقشه سرحداتی بود که صربستان از طرفی با اطریش و از طرف دیگر با بلغارستان داشت . این مانور شامل عملیات مفصله ذیل بود : ( نقشه شماره ۲۸ )  
یک حمله جبهه ای : مبتنی بر مبدأ دانوب - ساو ( Danube-Save ) در سمت شمال جنوب ، که بنا بود بوسیله دوارتشی ذیل فرماندهی فلدمارشال ماکنزن اجرا گردد :

يك ارتش آلمانی ، (متضمن ۷ لشکر) ، فرماندهی ژنرال گالوینس -  
(Gallwitz) ، که میبایستی در منطقه ویس کیرخن (Weisskirchen) تجمع نماید ،  
يك ارتش اطریشی ، (متضمن ۵ لشکراطریشی و ۱ سپاه آلمانی) ، فرماندهی  
ژنرال فن کووس (Kövess) ، که بنا بود در زاویه ساو - دانوب (Save-Danube)  
متمرکز گردد ،

ويك حمله جناحي : که مقرر شده بود بوسیله دو ارتش بلغاری فرماندهی  
ژنرال یسیم ژکو (Jekov) اجرا گردد ، بدین طریق که این دو ارتش از دانوب  
(Danube) تا سرنا (Cerna) رده بندی کرده ، در سمت شرق بغرب پیشروی  
نموده و صربستان را از یونان مجزا سازند ، و ارتش صرب را به آلبانی برانند .  
صربستان که در مقابل این ده توده دشمن دارای ۲۵۰،۰۰۰ نفر بود ، جدیت کرد  
در کلیه نقاط در مقابل دشمن ایستادگی نماید ، تا قوای امدادی که اینک اندر یجادر  
در سالونیک ، پیاده میشدند بکمک برسند .

دو ارتش ، یعنی ارتش ۱ و ارتش ۳ ، کنار ساو (Save) و دانوب (Danube) رده  
بندی کرده بودند ، ارتشهای ۴ و ۲ نیز در نقاط ذیل گسترده شده و انبساط یافته بودند :  
اولی از ارسوا (Orsowa) تا « زپچار » (Zaietchar) ، و دومی در  
نیشاوا (Nischawa) ، در سمت پیروت (Piro) با قسمتهائیکه در « کنایه وانز »  
(Knaievatz) و « کومانوو » (Kumanovo) جناحهای آنرا تشکیل میدادند .  
در ۱۸ اکتبر ، کووس (Kövess) از ساو عبور کرده باگراد (Belgrade)  
را تصرف مینماید ، گالوینس هم در « سه ماندریا » (Semendria) و در جنوب  
« ویس کیرخن » (Weisskirchen) از دانوب گذشته و در دره « موراوا » (Morava)  
پیشروی مینماید .

بویاچف (Boyatcheff) نیز ضمناً بمرض پرداخته پیروت (Piro) را تصرف  
مینماید .

در تحت تأثیر این فشار متمرکز دشمن ، صربها کم کم تسلیم میشوند . از ۲۱ اکتبر

تا ۷ نوامبر ، در ساحل غربی « موراوا » ( Morava ) و منطقه « پیروت » ( Pirot ) با رشادت و تهور بی نظیری مقاومت مینمایند . ولی در ۵ نوامبر ، بویاچف نیش ( Nich ) را تصرف کرده و ارتباط خود را با گالویتس برقرار مینماید . نکته ای که اهمیت بیشتری در برداشت این بود ~~که~~ از سمت جنوب نیز « ته اودوروف » ( Téodorof ) بدون اینکه با مقاومت سختی مواجه گردد ، پیشروی نموده بود ؛ بلغارها در ۱۹ اکتبر به کومانو و ( Kumanovo ) ، در ۲۳ به اوسکوب ( Uskub ) و چند روز بعد به « وریس » ( Velès ) رسیده بودند .

ژنرال سارای ( Sarrail ) ، با دو لشکری که از داردانل برداشت شده بود ( یکی فرانسوی و دیگری انگلیسی ) در ۵ اکتبر وارد شده بود ، چندی بعد ، دو لشکر دیگر فرانسوی که از جبهه فرانسه اعزام گردیده بود بکمک میرسیدند . نزدیک بود فرانسویها ، با وجود جهد و کوششی که بخرج میدادند ، در موقع پوشش و تأمین عقب نشینی صربها ، در سمت « سالونیک » ، یکباره غافلگیر گشته بدام افتند . دو لشکر فرانسوی که با کمال شتاب به کرُیوولاک ( Krivolak ) هدایت شدند ، بوسیله ارتش بلغارها از آنجا رانده شدند . ارتش صرب که در سمت ایبار ( Ibar ) رانده شده ( ۱۲ نوامبر ) و از خط عقب نشینی خود مجزا شده بود ، درست ساحل آدریاتیک عقب نشینی نمود ، و این عقب نشینی از میان آلبانی صورت گرفت ، یعنی در کشوری که فاقد جاده های شوسه و هوای آن نیز خیلی سخت و نامساعد بود . قریب صد هزار فری ، که از اثر بی قونی و حصه از پا در آمده بودند ، خود را به سن ژان دو میدووا ( Saint-Jean de Médoua ) و دورانسو ( Durazzo ) رسانیدند ، و در آنجا کشتیهای فرانسوی آنها را جمع آوری نموده به کرُفو ( Corfou ) و بیزرت ( Bizerte ) انتقال دادند .

صربستان فلک زده هم بروزگار سیاهی ، شبیه روزگار صیبت و محنت بلژیک ، و شاید هم بر وز سیاه تری افتاد . از این کشور بخت برگشته نام و نشانی که باقی ماند عبارت بود از پادشاه و بقایای ارتش درهم شکسته ای که اینک محکوم باین بودند تا سه سال بانتظار و آرزوی فتح متفقین زندگانی پر محنت را در خاک بیگانه بسر ببرند !

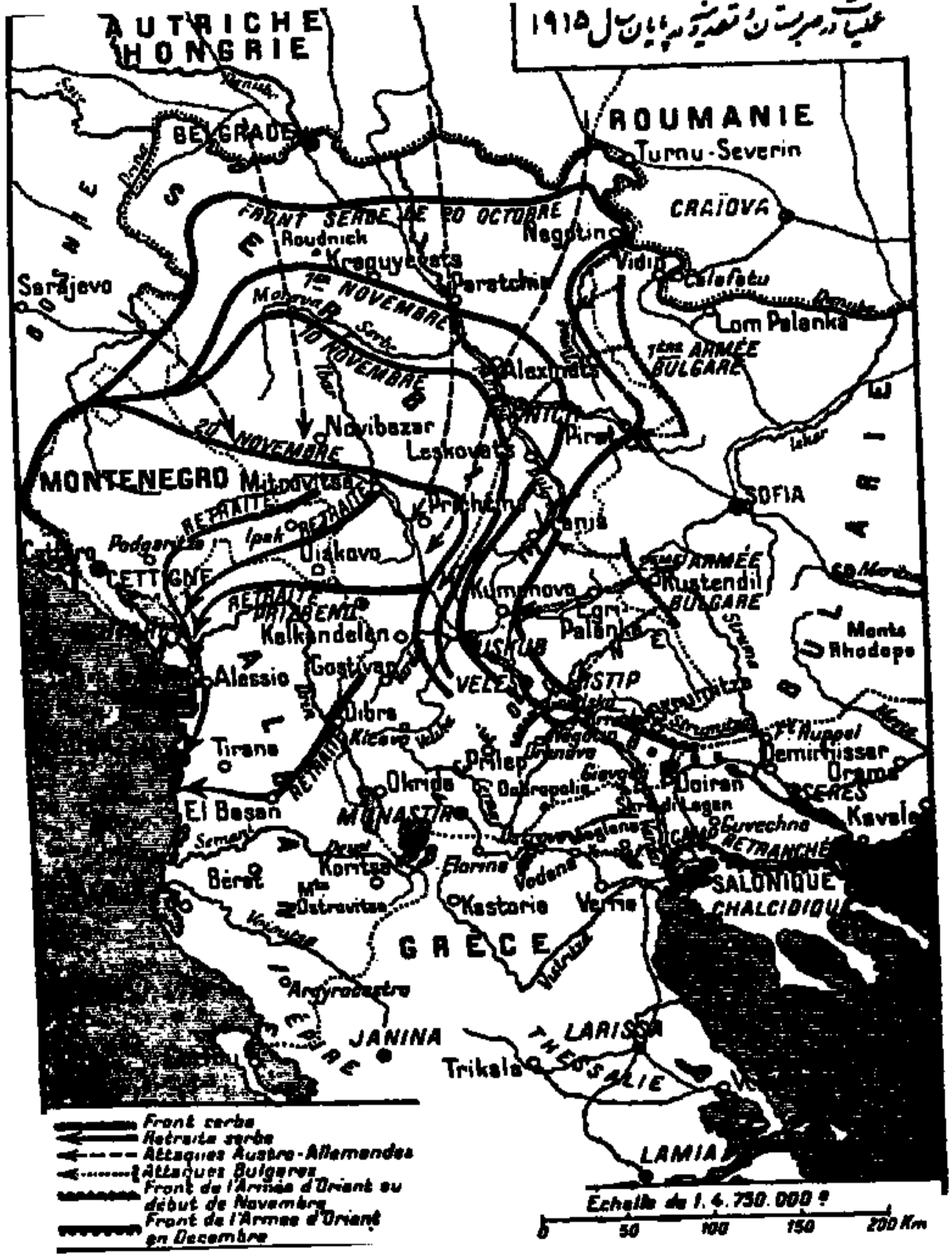
آلمان ، اطریش و بلغار بار خود را بمنزل بردند ، ولی در پایان کار گوید  
بخیالات خامی که در فکر داشتند واقف گشتند . از مراجعه پادداشتهای  
لودندرف چنین برمیآید که برای آلمان مقدر نشد از متحدین جدید خود  
( یعنی عثمانیها و بلغارها ) ، نه فقط از لحاظ کمک نظامی ، بلکه از لحاظ تدارک  
آذوقه نیز بهره‌ای برداشت نماید . بالعکس ، متحدین مذکور ، و مخصوصاً بلغارستان ،  
از لحاظ کمک های مالی و نظامی که لاینقطع از حامی و پشتیبان خود در خواست  
مینمودند ، هر دو توقعات زیادی ابراز میداشتند . بلغارها ، که در قبال صربها  
کینه و انتقام دیرینی در دل داشتند ، در سد اقناع حرص و آز خود بودند ، از  
طرفی نیز با همان سماجتی که طلبکار مبرمی در طلب حق مشروعی اعمال میکند  
ایالات متصرفی را ، که مانند خاک خود میپنداشتند ، مدام از آلمان مطالبه  
مینمودند ، و آلمان هم هنوز حاضر نشده بود ایالات مزبور را واگذار کند از  
اینروی ، بلغارها بمملیات مشترک و مقاصد عمومی متحدین کمتر اعتنا میکردند ،  
چنانکه در تشریح اوضاع و احوال سال ۱۹۱۸ این موضوع را خواهیم دید .

از لحاظ متفقین ، سقوط صربستان بمنزله مصیبت سخت و بلکه شکست فاحشی  
بود که نتایج و تأثیرات آن هنوز معلوم نبود . متفقین محکوم بدان بودند خود را  
از ضربتی که در پیش بینی آن تصور ورزیده بودند مصون و محفوظ بدارند . در  
« سالونیک » ، موقعیت نظامی و سیاسی آنها متزلزل بود ، و گوئی عزیمت آنها بآنجا  
فقط برای این بود که « بلافاصله پس از انداختن لنگر ، « سالونیک » راترك نمایند .  
ولی با اینوسف ، خواهیم دید متفقین تا چه حدی ذینفع بودند که در « سالونیک »  
باقی بمانند ، و در آنجا اعمال چه مساعی عمده‌ای برای آنها ایجاب شده و عاقبت چه  
منافی از مساعی مذکور بآنها عاید گردیده است .

#### بسمه

عملیات فوق از لحاظ نظامی در آن قسمت قابل توجه است که ارتش صرب  
موفق شد خود را از گازانبر قوای خصم که  $\frac{1}{4}$  برابر نسبت با و فوق داشت ، در اثر

عملیات در صربستان و مقدونیه در پایان سال ۱۹۱۵





عقب نشینی بموقع ، خلاص کند .

از لحاظ سیاسی تصرف صربستان بوسیله متحدین و موقوف شدن اردو کشی «کالیلی» از طرف متفقین اهمیت زیادی را دارا بود .

راه مستقیم از برلن بطرف اسلامبول برای متحدین تأمین گردید و بدین طریق يك جبهه سر تا سری تشکیل شد ، و اینك قوای آلمان قادر گردید که در دور ترین نقاط بمتحدین خود کمک برساند ، اطریش در مقابل ضربت از سمت جنوب تأمین گردید لذا يك قسمت قوای او آزاد میگردد . بغاها برای متفقین بسته شدند و مراوده آنها بروسیه تا خانه راه مورمان ، از طریق «آرخانگلسک» ( Arkhangelsk ) و « ولادیووستوک » ( Vladivostok ) بعمل میآید . اکنون صحنه بالکان کسب اهمیت فوق العاده ای نمود ، خصوصاً از لحاظ اقتصادی برای متحدین و نیز در آنجا وضعیتی برخلاف مصالح و منافع متفقین ایجاد گردید .

### جبهه ایتالیا

در ماه اکتبر و نوامبر ایتالیاییها بمنظور تسهیل وضعیت صربها دو مرتبه اطریشها را مورد حمله قرار دادند ( نبرد دوم و سوم ایزونتسو Isonzo ) ، ولی از این دو حمله نتیجه مثبتی نگرفتند . تمام نقاط مهم استراتژیک ، از قبیل «روردو» ، ترنت ، تبلاخ ، تارویز ، گوریتسا ، و تریست در دست اطریشها باقی ماندند . ولی این موضوع متحدین را مجبور ساخت که در آن حدود ، بر قوای خود بیفزایند و در پایان سال ، در جبهه ایتالیا سه ارتش ذیل داخل عملیات گردیدند : ارتش دانکل - در «تیرل» و کنار رود «آریتر» ، ارتش «رر» - در «کارنیتی» و ارتش بویروییچ - در «ایزونتسو» .

(نقشه شماره ۲۷)

### جبهه روس

روسیه که در طی سالهای ۱۹۱۴ و ۱۹۱۵ در تمام جبهه ها دائماً مشغول جنگهای مانوری بود از ماه اکتبر احساس کرد که میتواند به تنفس و خود آرائی پردازد ، ولی وضعیت سخت صربستان دولت مزبور را مجبور ساخت که برای مساعدت به صربستان عملیات جدیدی را شروع کند .

چون هداتر ورود بلغارستان ب جنگ وضعیت بالکان مشکل شده بود و از طرف متحدین نیز انتظار صدور اولتیماتوم برومانی میرفت ، قرارگاه کل روس مجبور به تشکیل ارتش جدیدی مرکب از  $\frac{1}{4}$  سپاه پیاده و ۱ سپاه سوار ( ارتش ۷ ) گردید و آنرا در حوالی اودسا ( Odessa ) تمرکز داد .

کمک بصریستان ب چهار طریق ممکن بود صورت گیرد :

۱ - تهاجم قوای روس ب بلغارستان از طریق رومانی ، ولی رومانی عبور قوای روس را از خاک خود اجازه نداد .

۲ - قرارگاه کل روس در نظر گرفت که تعرض مشترک ب سمت « بوداپست » بطریق ذیل اجرا گردد : « سپاه روس از طریق « کاریات » و « سپاه انگلیس و فرانسه از طریق « سالونیک » ، ولی متفقین روسیه با این پیشنهاد موافقت نکردند .

۳ - روسها پیاده کردن قوای ساحل بلغارستان در دریای سیاه در نظر گرفتند ولی فرماندهی نیروی روس با این نظر مخالفت کرد چون اجرای چنین عملی را در فصل یائیز با حضور زیر دریائیهای آلمان در دریای سیاه ، بدون داشتن تکیه گاه دریائی در « کونستانسا » ( Constantza ) اقدام بسیار خطرناکی محسوب میداشت .

۴ - اقدام بتعرض جدی جناح چپ بجهت جنوب غربی روس که بدینوسیله قوای اطریش و آلمان را بآن سمت جلب کند .

بالاخره روسها تصمیم گرفتند که شق اخیر را بوسیله ارتش ۷ جدید که دارای تجهیزات کاملی بود عملی نمایند .

ارتش مزبور را در ماه دسامبر به ناحیه : « ترُمبول - چورنوکو » ، ( Trémbovl- Tchortkov ) حرکت دادند آنرا و مأمور کردند که با کمک ارتشهای همجوار : ارتش ۱۱ ( از سمت راست ) و ارتش ۹ ( از سمت چپ ) کنار رود « استریپا » بدشمن حمله کند و شکاف ایجاد شده را در سمت شمال و شمال غرب توسعه دهد .

از طرف دول مرکزی در این حدود ارتش جدید آلمان بفرماندهی ژنرال « بُنر » و ارتش ۷ اطریش بفرماندهی ژنرال « یلانتر » ( که قدری از قوای

حمله کننده روس ضعیف تر بودند) قرار گرفته بودند.

فرمانده ارتش روس انجام مأموریت خود را بطرز ساده‌ای در نظر گرفت:

۱- او در جبهه ۲۵ کیلو متری سه سپاه خود را بمنظور حمله گسترده و بهر يك از سپاههای جناحی خود ناحیه‌ای بطول ده کیلو متر و بسپاه مرکزی که مأمور حمله اصلی بود محوطه‌ای بطول پنج کیلو متر تخصیص داد، و سپاه ۴ را در احتیاط قرار داد. کلیه دستوری که فرمانده مزبور برای عملیات صادر کرد عبارت از همان دستور فوق بود. ضمناً بایستی در نظر داشت که در مقابل ارتش ۷ روس ۴-۵ لشکر آلمان و اطیش در مواضع مستحکمی قرار گرفته بودند که در واقع قوای طرفین در آن حدود مساوی میگردد.

روز ۲۷ دسامبر ۳ سپاه ارتش ۹ برای جلب توجه دشمن بسمت خود شروع بحمله نمودند، سپاههای مزبور توانستند از سیمهای خاردار دشمن تجاوز کنند. روز ۲۹ دسامبر، در هوای منقلبی (که برف میبارید و زمینها هم بحدی گل بود که حرکت را با نبودن جاده‌دشوار مبساخت) سه سپاه ارتش ۷ برای حمله به هدفهای معین حرکت نمودند. هر يك از آنها چند روزی بمسئولیت خود حملاتی را انجام میداد، بدون آنکه با یکدیگر ارتباطی داشته باشند، در بعضی نقاط پیشرفت حاصل کرده و در بعضی نقاط دیگر عدم موفقیت داشتند، بالاخره سپاهها با سوء عملیات توپخانه نتیجه‌ای نگرفتند. هدایت عملیات از طرف فرماندهی ارتش فقط عبارت بود از اینکه سپاه فرسوده مرکزی را پس از چند روز حملات تعویض کرده و سپاه احتیاط را بجای آن اعزام داشت.

با وضعیت فوق ژنرال آلکسیف تصمیم گرفت این عملیات ببهوده را که باعث پنجاه هزار تلفات در ارتش ۹ و ۷ گردید روز ۲۶ ژانویه بکلی موقوف سازد.

صحنه آسیائی (نقشه شماره ۲۱)

در این مرحله جنگ عملیات در صحنه آسیا فقط در قسمت شمال غرب خاگ ایران و در بین النهرین جریان داشت.

عملیات در ایران بطور کلی در بخش مخصوصی شرح داده شده است.

راجع به عملیات سال ۱۹۱۶ در جبهه قفقاز فرماندهی روس در جبهه مزبور ،  
باملاحظه قوای اضافی که عثمانیها در اختیار داشتند و بلاشک در فصل مساعدی  
برای حمله بقوای ضعیف روس از آن استفاده میکردند ، تصمیم گرفت نسبت به عثمانیها  
پیشدستی کرده و در آغاز سال ۱۹۱۶ در سمت ارضروم ضربتی وارد سازد. تصمیم مزبور  
بطوریکه در این خواهیم دید به عملیات در خشان روسها در سمت ارضروم منجر گردید .

### نتیجه جنگ در سال ۱۹۱۵

بطوریکه سابقاً شرح دادیم عملیات سال ۱۹۱۵ جریان جنگ بین الملل را  
تغییر داد .

موفقیتهای متحدین در ظاهر خیلی عظیم بود . متحدین در حالیکه جبهه خود را  
در فراسه حفظ میکردند روسیه را بخط «دوینا - پلسیه» عقب نشانند و بدین طریق  
خاک خود را در قبال نهاجم آن دولت تأمین نمودند .

با درهم شکستن صربستان متحدین وضعیت خود را در شبه جزیره بالکان  
مستقر ساختند ، بنا بر این جبهه وسیع و پیوسته ای یکسره از دریای شمال تا خلیج  
فارس تشکیل دادند .

دول مرکزی اراضی زیادی بدست آوردند و بدین طریق تهیه آذوقه و مواد  
خام را برای خود تسهیل نمودند . و نیز فتوحات آلمان در قبال روسیه بر حیثیت  
آن دولت افزود ولی روحیه ملت و ارتش روس در اثر شکستهای پی در پی  
متزلزل گشت . این موضوع فرماندهی آلمان را امیدوار بطلوع انقلاب داخلی در بعضی  
از کشورهای متفقین خصوصاً در روسیه مینمود که باعث سرعت خاتمه جنگ میگردد .  
ولی فوائد و نتایج مثبتی که از عملیات جنگی در سال ۱۹۱۵ عاید متحدین  
گشته و بنقطه نهای خود رسیده بود بهمین اندازه محدود گردید ؛ بعداً بطوریکه  
خواهیم دید وضعیت متحدین رو به انحطاط میرفت .

با وجود اینکه متحدین ظاهرآ فوائد و نتایج سرشاری بدست آوردند ولی توانستند  
هیچیک از نقشه های خود را در سال ۱۹۱۵ عملی نمایند .

نه فقط متحدین توانستند روسیه را از عرصه جنگ بین الملل خارج نمایند ، بلکه در اثر مانورهای ماهرانه ژنرال آلکسیف نیز موفق نگردیدند که شکستهای متواتری بنیروی آندولت وارد سازند .

در نتیجه انتقال مرکز جنگ بشرق ، انگلیس و فرانسه مجال یافتند که قدرت جنگی خود را کاملاً توسعه دهند .

ورود ایتالیا در جنگ ، اطریش هنگری را دچار اشکال بخصوصی مینمود ، زیرا ملت وارثش آن ادامه جنگ را بزحمت تحمل میکردند .

کامیاب نشدن عثمانی باعث گردید که آلمانها از نقشه جلب ایران و افغانستان بطرف متحدین چشم پوشند .

اکثر مستعمرات آلمانها بتصرف متفقین درآمد . لطمات و شکستهای وارده بمتفقین اتحاد بین آنها را محکم تر کرده و تصمیم آنها را بادامه جنگ تا بیل بفتح قطعی تقویت نمود .

چون متحدین باتمام جدیتی که آلمان به خرج داد و باوجود فتوحاتی هم که نصیب او شد نتوانستند نتایجی را که انتظار داشتند بدست آورند لذا امیدواری متفقین در خانمه جنگ بنفع آنها زیادتیر میگردد .

جنگ زیردریائی در مدت تابستان خسارات زیادی بمتفقین وارد ساخت ، ولی چون از طرف متفقین جلوگیری بعمل آمد لذا از حدت و شدت جنگ مزبور کاسته شد .

چون جنگ زیردریائی بمنافع دول بیطرف و مخصوصاً بمنافع دول متحده امریکای شمالی لطمه وارد ساخت روابط معنوی بین امریکا و متحدین تیره شد و بعداً بطور علنی قطع گردید .

بالاخره تمام دول از ادامه جنگ احساس خستگی می نمایند خصوصاً مات آلمان که از جهات بسیاری دچار مضیقه شده بود .

وضعیت سخت آلمان بدان واسطه کسب و خاتم کرده بود که جنگ در تمام جهات جنبه موضعی بخود گرفته بود و احتمال طولانی شدن آن میرفت

و تبدیل مجدد آن به جنگ متحرک خالی از اشکال نبود .  
آلمان که در آغاز جنگ از حیث وسائل فنی ، مهمات و توپخانه سنگین ،  
نسبت بدشمنان خود برتری داشت اینک با آنها مساوی شده و بعداً هم از آنها عقب  
خواهد ماند .

این بود خلاصه وضعیت طرفین در پایان سال ۱۹۱۵ .



### نتیجه جنگهای سال ۱۹۱۵ از نظر فرانسویها

بدین طریق سال ۱۹۱۵ بمنزله مرحله تجربه و آزمایش بود .  
در سال مذکور ، يك سلسله مسائل تازه بوجود آمد ، بدون اینکه هیچیک از  
آنها بطور قطع حل شده باشد .  
دو فقره از مسائل مزبور ، بمناسبت اهمیت زیادیکه برای متفقین داشت در رأس  
کتابه مسائل دیگر قرار گرفته بود .  
جنگ موضعی که یکباره متعاقب جنگ متحرک بمیان آمده بود بدون آنکه هیچیک  
از دول متخاصم آنرا پیش بینی کرده باشند ( زیرا هیچیک طالب آن نبودند ) یکی  
از دو مسائل مزبور را بوجود آورده بود .  
این مسئله ، با اینکه بخودی خود اهمیت زیادی در برداشت ، همه روزه از جانب  
دشمن بر اهمیت آن افزوده میشد ، یعنی تدابیر دشمن سبب میشد که همه روزه اصول  
و مبانی آن تغییر پیدا کند :  
زیرا هر قدر طرق تاکتیکی را با موقعیت و وضعیت تطبیق میکردیم ، و بر  
وسائل خود مبادرت میکردیم در نقطه مقابل ما نیز بهمان نسبت وضعهای بی دربی فزونی  
یافته و در داخل آنها پناهگاههای عمیق تری ایجاد میکردید ، و بروست سیمهای  
خاردار پیش از پیش افزوده میشد ، و سلسلههای سنگین پیش از پیش فزونی مییافت .  
بدین طریق ، راه حلی که پس از فتوحات ماه ژوئن مساعد بنظر میرسید دیگر برای  
حملات ماه سپتامبر هیچ مناسبتی نداشت ، و تدابیری که در سپتامبر ۱۹۱۵ فتح را برای  
مانامین میکرد در سال ۱۹۱۶ چندان تأثیری نداشت .

مسئله دومی که برای ما اهمیت زیادی در برداشت ، عبارت از وحدت فرماندهی بود .

چنانکه دیده شد ، از همان روز های اولیه اوت ۱۹۱۴ ، نبودن وحدت فرماندهی در اردوگاه ما از هر طرف بفتح دشمن تمام میشد . در نوامبر ۱۹۱۴ ، وضعیت از این لحاظ بخودی خود ، یعنی تحت تأثیر وقایع ، اصلاح شده بود :

چه از طرفی پادشاه بلژیک با بزرگواری و علو طبع خاصی فرماندهی ما را قبول نموده بود ، و از طرفی نیز ما بین مارشال فرنیچ و ژنرال ژفر همکاری صمیمانه ای که مرهون ابتکار شخصی این دو نفر فرمانده بود ، بمیان آمده بود .

بدین طریق ، قوای بلژیک ، انگلیس و فرانسه مقصود مشترکی را تعقیب میکردند ، و تاحدی نیز تحت فرماندهی واحدی تشریک مساعی مینمودند .

ولی از طرفی ، روسها و صربها فاقد وحدت فرماندهی بوده و هر یک از آنها جداگانه عمل مینمودند ؛ بعلاوه جبهه های جدیدی تشکیل شده بود ، و این جبهه ها ، با اینکه فرعی بودند ، قوای معتابھی (از لحاظ فرات و ملزومات) بمصرف میرسانیدند . چنانکه گفته شد ، در ۹ مه ، در موقعیکه ارتش انگلیس با حفظ ارتباط با ارتش ۱۰ فرانسه برای حمله عزیمت میکرد ، حکمی از لندن واصل گشته ، قسمتی از مهمات ارتش مزبور را منتزع ساخت و بدین طریق بتعرض ارتش مزبور خاتمه داد . بالتبجه ، مسئله وحدت فرماندهی و وحدت عملی که ژنرال ژفر و مارشال فرنیچ نا آن موقع دوستانه حل نموده بودند ، اینک از حدود اختیار هر دو آنها خارج میشد . ژنرال ژفر راجع باین موضوع گزارشکایت نمود ، و در ۲ ژوئن مخصوصاً پیشنهاد کرد راه حلی در نظر گرفته شود .

راست است که موضوع « داردابل » اتخاذ این تصمیم را ایجاب میکرد ، ولی از طرفی هم عملیات صربستان و ایجاد ارتش شرق سرعت اینکار را ایجاب مینمود .

این بار اهمیت موضوع منحصر باین نبود که از لحاظ عزت نفس عمل بی با یانی تعقیب گردد ، بلکه ضرورت از یکطرف ، و پیش بینی بریان ( Briand ) ،

رئیس الوزراء وقت از طرف دیگر ایجاد جبهه جدید را ایجاب مینمود . البته منطقی نبود که از فرماندهی قوای فرانسه انتظار داشت از مسافت دوری فوریت امر را سنجیده و قوای از ارتشهای خود منتزع ساختن بصحنه عملیات دور دستی اعزام دارد . بدین طریق مسائلی چند وحدت فرماندهی کلیه قوای متفقین را ایجاب میکرد ، منجمله مسئله تقسیم قوا بانوجه بمنظور عملیات ، وفق دادن عملیات در فضا و در زمان ، از مسائلی بود که این ضرورت را معرزه پیدا داشت .

این موضوع ~~که~~ بر حسب ظاهر موضوع ساده‌ای بوده ولی در عمل اهمیت بسزائی در برداشت ، تا ماه مارس ۱۹۱۸ لاینحل ماند ، یعنی تا بعد از مصائب و لطامات سختی که در مدت چهار ساله جنگ نزدیک بود با نهادن متفقین منتهی گردد .

موضوع قابل توجهی که همیشه موفقیت را عقیم میسازد اینست که در هر زمان و در هر مکانی کلیه ملل بجانبازی در داخل کشور بیشتر راقب هستند تا اینکه در راه مقصود مشترکی تشریک مساعی نمایند . این موضوع بقوای متفقین منحصر نبوده در ارتشهای متحدین نیز حکمفرما بود . چنانکه از مراجعه پیادداخت های اودندرف نیز معلوم میشود که مابین متحدین نیز تعقیب ، و نمایلات مای بر وحدت فکر غلبه داشته و اغلب اوقات هدایت عملیات جنگی را بزحمت انداخته است .



## بخش هفتم دهم

### بسط دامنه جنگ بکشور ایران

چنانکه در بخش یکم گفتیم کشوری نماند که از اثرات این جنگ جهانی صدمه ندیده باشد ولو بطور غیر مستقیم ، از آن جماعه میهن عزیز هاست که با وجود اعلان بیطرفی ، میدان عملیات سیاسی و جنگی دول متخاصم قرار گرفت ، خصوصاً از موقعیکه دولت عثمانی داخل جنگ شد . اینک وقایع جنگی در ایران را در این بخش بطور جداگانه مورد بحث قرار میدهم .

#### مقدمه

وضعیت قوای اجنبی در ایران در آغاز جنگ بین المللی

پس از انقلاب مشروطیت در تمام ایالات و ولایات ایران خودسریها و هرج و مرج بزرگی تولید شد که برای اعمال قوذ بعضی از دول همسایه بهانه مناسبی بدست میداد :

ساخلوهای - رحدی عثمانی در حدود شمال غرب یعنی نزدیک به قطور ، رضائیه و اشنویه مدتی قبل از شروع جنگ بین المللی بخاک ایران تجاوز و برقرار شده بودند . دولت تزاری روس نیز در نواحی شمال ، که بموجب معاهده ۱۹۰۷ بین روسیه و انگلیس منطقه قوذ روس محسوب میشد ، بهانه تجاوز عثمانیها وارد آذربایجان کرده و در تبریز و رضائیه یک لشکر سوار قزاق و یک تیپ تبر انداز نمرکز داد و در قزوین نیز یک تیپ از لشکر مختلط قزاق (کوبانسکی) برقرار کرد .